

راستی و درستی در قول و عمل رهبران بهائی

علیرضا روز بهائی

چکیده:

احادیث و روایات بسیاری در دست است که ثابت میکند باب و بها در ادعای خویش کاذب و فاقد هرگونه مشروعیتی بوده‌اند اما جالب آنکه اینان خود به روایات و اخباری تمسک نموده و مدعی مشروعیت شده‌اند که از آن جمله حدیث مفضل بن عمر از امام صادق است که وی در این روایت از امام پیرامون ظهور حضرت مهدی (عج) پرسش میکند امام در این روایت هرگونه تعیین وقت را نفی نموده و به تشریح ایام ظهور میپردازد، بها مدعی است این روایت در صدد تعیین وقت ظهور است که ادعای عجیب و در عین حال بسیار نادرست است کلید واژه: سنه ستین، راستگویی بها، روایات ظهور، تقلب بهائیت.

بهائیان گروه بسیار کوچکی از مردم‌اند که خود را پیرو آئینی بنام بهائی معرفی نموده و دیگران را نیز با ولع فراوان به آئین خویش، که الهی بودن آن بارها و از جهات گوناگون از سوی محققین با ارائه مدارک مسلم و قطعی مورد انکار قرار گرفته است فرا می‌خوانند. از جمله دلایلی که موجب می‌گردد بهائیت را نه آئینی الهی بلکه فرقه ای تأسیس شده برای فریب بدانیم بررسی موضوع «راستی و درستی در قول و عمل رهبران بهائی» است، بی تردید صدق و راستی از جدی‌ترین معیارهای شناخت دین الهی است، و اهل تحقیق دیانتی را الهی می‌دانند که بر راستی استوار باشد و از ناراستی - بخصوص در گفتار و رفتار رهبران آن دیانت - به دور باشد در این مختصر تلاش می‌گردد وجهه دیگری از فرقه بهائیت در معرض دید

حق پژوهان و حقیقت جویان قرار گیرد

راستی و درستی در قول و عمل رهبران بهائی

میرزا حسینعلی نوری بنیانگذار فرقه بهائی در بخشی از گفته‌ها و نوشته‌های پرشمارش یاران و پیروان خویش را به راستی و درستی فراخوانده است نمونه هائی از توصیه‌های او در این زمینه بیان می‌گردد:

بگو زبان گواه راستی من است او را به دروغ می‌لایید و جان گنجینه راز من است او را به دست آزمسپارید^۱

زینوا رؤوسکم باکلیل الامانة و الوفاء و قلوبکم برداء التقوی و السنکم بالصدق الخالص و هیاکلکم بطراز الاداب کلّ ذلك من سجيّة الانسان لو انتم من المتبصّرين^۲
لسان مشرق انوار صدق است او را مطلع کلمات کذب منماید زبان گواه راستی من است او را بدروغ می‌لایید^۳

اما باید دید که آیا خود او نیز به این گفته‌ها پایبند بوده است امیرمومنان علیه السلام درباره کسانی که خود را پیشوای مردم کرده است، باید پیش از یاد دادن به دیگری، نخست به تعلیم خویش پردازد. و قبل از ادب کردن مردم به وسیله‌ی زبان و گفتار، به شیوه‌ی عمل و رفتار خویش آنان را ادب کند. و البته آموزش دهنده و ادب‌آموز خود بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته تجلیل است.^۴

۱. بهاء الله مجموعه الواح مبارکه، چاپ مصر، ص ۲۶۵.

۲. بهاء الله، کتاب اقدس ص ۱۱۴

۳. گلزار تعالیم بهائی ص ۲۰۶ به نقل از: امر و خلق، ج ۳، ص ۱۴۷

۴. «من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره و لیکن تادیبه بسیرته قبل تادیبه بلسانه و معلم نفسه و مودبها احق بالاجلال من معلم الناس و مودبهم» نهج البلاغه، صبحی الصالح - همان - و من خطب له علیه السلام «۱۶۴» «۱۷۳» و «۸۷» صفحات ۲۳۵ - ۲۳۴ - ۲۴۸ - ۲۴۷ و ۱۱۹ و من حکم له علیه السلام «۷۳» ص ۴۸۰ و من خطبه «۱۷۵» ص ۲۵۰.

ای مردم! به خدا سوگند، من هیچ گاه شما را به فرمانبری خداوند فرانخوانده ام، مگر آنکه در عمل کردن بدان فرمان، بر شما پیشی جسته ام و شما را از چیزی منع نکرده ام جز آنکه قبل از شما، خودم از آن دوری جسته ام.^۱

یکی از نمونه‌های صداقت و راست کرداری میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) را باهم مرور می‌کنیم و اعتقاد داریم در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

حدیث ظهور موعود در سنه ستین

بهاءالله در ایقان مدعی می‌شود که در روایات ائمه طاهرين سال ظهور امام زمان علیه السلام را برابر سال ظهور باب معین کرده‌اند. او می‌نویسد:

«ملاحظه فرمایید که در اخبار، سنه ظهور آن هویتیه نور را هم ذکر فرموده‌اند. مع ذلک شاعر نشده‌اند و در نفسی از هوای نفس منقطع نگشته‌اند. فی حدیث المفضل «سئل عن الصادق فكيف يا مولاي في ظهوره؟ فقال عليه السلام: في سنة الستين^۲ يظهر امره و يعلو ذكره.» باری، تحیر است از این عباد که چگونه با این اشارات واضح لائحہ از حق احتراز نموده‌اند.»^۳

گلپایگانی، مبلغ بهائی نیز به تاسی از سرور خود این ادعا را در کتاب مشهورش «فرائد» آورده است. وی می‌نویسد:

«و همین است مقصود از عبارت حدیث مفضل بن عمر که از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که آن حضرت در میعاد ظهور فرمود: «و فی سنة الستین! يظهر امره و يعلو ذكره یعنی در سنه شصت، امر آن حضرت ظاهر گردد و ذکر ظهورش انتشار و استعلا یابد.»

۱. «ایها الناس، انی و الله ما احثکم علی طاعة الا و اسبقکم الیها و لا انهاکم عن معصیه الا و اتناهی قبلکم عنها» نهج البلاغه، صبحی الصالح - همان - و من خطب له عليه السلام «۱۶۴» «۱۷۳» و «۸۷» صفحات ۲۳۵ - ۲۳۴ - ۲۴۸ - ۲۴۷ و ۱۱۹ و من حکم له عليه السلام «۷۳» ص ۴۸۰ و من خطبه «۱۷۵» ص ۲۵۰.

۲. ستین به معنای ۶۰ است و بهاءالله به خیال خود فکر کرده است که منظور از ستین همان سال ۱۲۶۰ برابر سال ظهور باب است در حالیکه این سخن یک خیال واهی است.

۳. ایقان، ص ۱۶۸.

نقد

عملکرد بهاء الله در نقل این روایت، گواه آشکاری بر عدم صداقت او است. زیرا وی با تقطیع و تحریف این روایت را نقل کرده، مدعی ذکر تعیین سنه ظهور قائم موعود در روایات می شود آنهم روایتی که در صدد نفی تعیین تاریخ ظهور است: چرا که اگر این روایت را به طور کامل بنگریم میابیم که مفضل می گوید: از آقام امام صادق پرسیدم: «آیا برای مأمور منتظر مهدی (عجل الله فرجه) وقتی تعیین شده است که مردم بدانند؟» فرمودند: «حاشا که چنین باشد و شیعیان ما آن را دانسته باشند.» عرض کردم: «چرا چنین است؟» فرمودند: «چون ظهور مهدی همان ساعتی است که خداوند می فرماید: از تو در باره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است بگو: علم آن تنها نزد پروردگار من است؛ جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است... مفضل می گوید: از امام پرسیدم: «بنا بر این وقتی برای آن (ظهور امام) تعیین نشده است؟» امام فرمودند: «ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین می کنم و نه وقتی برای آن تعیین شده است. هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و [به ناحق] ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد...»

مفضل گفت: «وقت ظهورش چگونه است؟»

امام علیه السلام فرمود: ای مفضل! او در وضع شبهه ناکی آشکار می شود، تا اینکه امرش روشن شود و نامش بالا رود و کارش آشکار شود، و نام و کنیه و نسبش برده شود، و آوازه او بر زبان پیروان حق و باطل و موافقان و مخالفان زیاد برده می شود تا اینکه با شناختن او حجت بر مردم تمام شود.

همچنین ما داستان ظهور او را برای مردم نقل کرده و نشان داده و نام و نسب و کنیه او را برده و گفته ایم: او همانم جدش پیغمبر خدا و هم کنیه اوست تا مبادا مردم بگویند: اسم و کنیه و نسب او را شناختیم. به خدا سوگند! کار او با روشن شدن نام

و نسب و کنیه اش - که بر زبانهای مردم بالا گرفته - متحقق می شود؛ به گونه ای که آن را برای یکدیگر بازگو می کنند. همه اینها برای اتمام حجت بر آنهاست؛ آن گاه همان گونه که جدش وعده داده، خداوند او را ظاهر می گرداند...^۱

بهاء الله واقعاً چه تصویری از ادارک و فهم خوانندگان ایقان در ذهن داشته است که در جمله «فی شُبُهَة لیسْتَبین» به این تحریف، دست زده و آن را به «سنه ستین» بدل نموده است تا آن را با سال وقوع ادعای دروغین باب منطبق کند، البته وقتی دیده میشود که یکی از مبلغین بهائی در مقاله ای بی اعتنا به حقیقت و فقط در صدد توجیه نوشته های باب و بها است و درست نبودن مدعای رهبران خویش را نه تنها نمی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱-۵، از نرم افزار معجم بحار الانوار (نور). بخش مورد استناد ما از روایت چنین است: ما یكون عند ظهوره عليه السلام برواية المفضل بن عمر أقول روى في بعض مؤلفات أصحابنا عن الحسين بن حمدان عن محمد بن إسماعيل و علي بن عبد الله الحسيني عن أبي شعيب و محمد بن نصير عن عمرو بن القرات عن محمد بن المفضل عن المفضل بن عمر قال سألت سيدي الصادق عليه السلام هل للمأمور المنتظر المهدي عليه السلام من وقت مؤقت يعلمه الناس فقال حاش لله أن يؤقت ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا قلت يا سيدي و لم ذاك قال لأنه هو الساعة التي قال الله تعالى يستلونك عن الساعة آياتاً مرسها قل إنما علمها عند ربّي لا يجليها لوقتها إلا هو تقلت في السماوات و الأرض الآية و هو الساعة التي قال الله تعالى يستلونك عن الساعة آياتاً مرسها و قال عنده علم الساعة و لم يقل إنها عند أحد و قال فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة فقد جاء أشراطها الآية و قال اقتربت الساعة و انشق القمر و قال ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها و الذين آمنوا مشفقون منها و يعلمون أنها الحق ألا إن الذين يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد قلت فما معنى يمارون قال يقولون متى و ليد و من رأى و أين يكون و متى يظهر و كل ذلك استعجالاً لأمر الله و شكاً في قضائه و دخولاً في قدرته أولئك الذين خسروا الدنيا و إن للكافرين لشراً مآب قلت أ فلا يؤقت له وقت فقال يا مفضل لا أوقت له وقتاً و لا يؤقت له وقت إن من وقت لمهدينا وقتاً فقد شارك الله تعالى في علمه و ادعى أنه ظهر على سيره و ما لله من سر إلا و قد وقع إلى هذا الخلق المعكوس الضال عن الله الراغب عن أولياء الله و ما لله من خبر إلا و هم أخص به ليره و هو عندهم و إنما ألقى الله إليهم ليكون حجة عليهم قال المفضل يا مولاي فكيف بدء ظهور المهدي ع و إليه التسليم قال ع يا مفضل يظهر في شبهة ليستبين فيعلو ذكره و يظهر أمره و ينادي باسمه و كنيته و نسيه و يكثر ذلك على أفواه المحققين و المبطلين و الموافقين و المخالفين لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به على أنه قد قصصنا و دللنا عليه و نسبناه و سميناه و كنيناه و قلنا سمي جدّه رسول الله ص و كنيته لئلا يقول الناس ما عرفنا له اسماً و لا كنيته و لا نسباً و الله ليتحقق الأيضاح به و باسمه و نسيه و كنيته على ألسنتهم حتى ليسميهم بعضهم لبعض كل ذلك للزوم الحجة عليهم ثم يظهره الله كما وعد به جدّه ص في قوله عز و جل هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون...

پذیرد که مدعی میشود ناشی از سهو و عمد مستنسخین و ناشران است، مشخص میشود که میرزا با اتکا به این افراد که چشم‌های خود را بر حقایق بسته و تنها دلخوش به مدعیات او هستند؛ جالب است که وی اشاره میکند که واژه (لیستین) در هیچ حدیثی جز حدیث مفضل دیده نشده است اما اشاره نمی‌کند که چگونه در روایتی که صدر و ذیلش مخالف مدعای میرزابهاء است تنها فقره ادعائی بها صحیح است وی آورده است:

حدیث سنه ستین که به حدیث مفضل بن عمرو معروف است، در بسیاری از کتب حدیثی نقل شده ولی در حین چاپ و نوشتن، سنه ستین را به قصد یا به سهو به (فی شبهة لیستین) تبدیل کرده‌اند که نه تنها جمله‌ای بی معنی است بلکه در کتب حدیثی که اخیراً به صورت نرم افزار تحت عنوان جامع الاحادیث و گنجینه روایت که حدوداً چهارصد جلد کتب حدیثی را در بر دارد و در دسترس همگان هم هست، واژه (لیستین) در هیچ حدیثی جز حدیث مفضل دیده نشده است؛ با این حال حدیث یظهر فی سنة الستین امره ویعلو ذکره را اول بار حضرت باب در کتاب مبارک دلائل السبعة و دومین دفعه حضرت به‌الله آنرا در کتاب مبارک ایقان نقل فرموده‌اند.^۱

با مزه است که او اعتراف می‌کند که عبارت سنه ستین در هیچ منبعی دیده نمی‌شود با این حال باز حاضر نیست دست از هواداری بکشد و یا حداقل زبان بر بندد و از این ادعای ناصواب خودداری نماید:

.... با رفتن به سایت الابرار وجستجو در کتاب العصمه و الرجعة بازسنه ستین را نمی‌توان یافت هر چند که در آن کتاب موجود است لذا جستجوی حدیث اذا قام القائم... در اینترنت امری بیهوده است و بر رسی کتب خطی و چاپی نیز بعلت کثرت ان وقت طولانی و شخص بیکاری رامی طلبد که در توان کسی نیست.^۲

1. <http://www.newnegah.org/articles/2010-01-10-04-22-09>

۲. همان

روایات بسیاری موجود است که هرگونه تعیین وقت را مردود دانسته از جمله حدیث متواتر امام صادق علیه السلام در پاسخ ابا بصیر است که پرسیده بود، قائم (عج) کی خروج خواهد کرد، فرمود: ای ابا محمد! ما خاندانی هستیم که وقتی را معین نمی‌کنیم، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است وقت تعیین کنندگان دروغ می‌گویند.^۱ در این روایت هم دقیقاً همگام با سایر روایات جملات صدر روایت هرگونه تعیین وقت را نفی می‌کند.

«آیا برای مأمور منتظر مهدی (عجل الله فرجه) وقتی تعیین شده است که مردم بدانند؟» فرمودند: «حاشا که چنین باشد و شیعیان ما آن را دانسته باشند.»

ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین می‌کنم و نه وقتی برای آن تعیین شده است. فقرات ذیل روایت نیز به نام و نشان معین مهدی موعود اشاره دارد. در روایتی دیگر شیخ مفید از ابوبصیر از آن حضرت روایت کرده است که فرمود:

«حضرت قائم در سال فرد ظهور می‌فرمایند.»^۲ بر فرض صحت سنه ستین، با این روایت در تعارض است؛ زیرا سال شصت زوج است. بر فرض محال که عبارت، همان سنه ستین باشد، سال ۶۰ چه ربطی به سال ۱۲۶۰ دارد؟

استاد مردانی در این باره می‌نویسد: سنه ستین درست نیست زیرا به حسب ظاهر این لفظ در مقامی گفته می‌شود که خود عدد ۶۰ منظور باشد که ۶۰ سال از هجرت یا بعثت باشد تازه مسلم است که امام صادق علیه السلام بعد از ماه (۱۰۰) بوده‌اند پس این فقره چگونه درست می‌شود؟^۳

جمله «سئل عن الصادق» بهترین دلیل است که جناب بهاء، مختصر اطلاعی از

۱. یا ابا محمد إنا أهل بیت لا نُوقَتُ - وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله كَذَّبُ وَقَاتُونَ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹

۲. لا یخرج القائم الّا فی وتر من السنین...؛ سید هاشم رسولی محلاتی، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۳۵۳.

۳. محمد مردانی، خارج شدگان از صراط مستقیم، سپهر آذین، ۱۳۸۷، قم، ج ۲، صفحه ۲۲

زبان عربی نداشته است؛ زیرا لفظ «عن» که ایشان به کار بسته‌اند، در اینجا غلط است و باید گفت: «سئل الصادق.»

نهایت اینکه: مبلغ بهائی در فرازی دیگر مدعی می‌شود:

در بحار الانوار جلد ۱۳ نیز فقط روایت شده که فقال يظهر فی شبهة لیستین امره و یعلی ذکره؛^۱ یعنی در وضع شبهه ناکی ظاهر می‌شود تا امرش روشن گردد و ذکرش معروف شود که معنی امرش روشن شود کاملاً بی معنی است زیرا امر آشکار می‌شود روشن نمی‌گردد.^۲

مبلغ بهائی مدعی می‌شود که «معنی امرش روشن می‌شود» معلوم نیست حال آنکه مفهوم عبارت کاملاً واضح است در روایات آمده است که حضرت (عج) در زمانه‌ای تاریک، که جامعه جهانی در مورد آن حضرت گرفتار شبهات بسیار هستند ظهور خواهد فرمود ولی امر آن حضرت و ذکر آن حضرت فراگیر خواهد شد در اینجا باید گفت: واقعاً این مبلغ بهائی مقصود از روایت را نفهمیده که در صدد بیان احوالات ایام نزدیک و متصل به ظهور است یا خود را به ... زده است تا با این تشکیک کسانی را که عنان عقل خویش به او سپرده‌اند به گمراهی بیشتر فراخواند به جای این تشکیکات بی معنا بهتر است مبلغ محترم به این جمله از مرحوم افضل تهرانی که در کتاب خویش در نقد ایقان آورده است توجه نماید:

آیا «شبهه» را «سنه» نکرده و «لیستین» را «ستین» ننموده حال این خیانت کبری و سرقت عظمی هست یا نه حکم با اهل ایقان است و آیا خائن و سارق ممکن است که مفترض الطاعه باشد از ناحیه الهیه یا نه نیز حکم او به اهل ایقان است و اگر ایقانیون خودشان را اهل ادراک و معرفت می‌دانند از این خیانت و سرقت جمیع امورات را ادراک خواهند نمود محتاج به توضیحات و تشریحات نیست حال بهاء مصداق حقیقی آیه ۶۰ سوره انفال^۳ هست یا نه حکم با اهل ایقان است.^۴

۱. صفحه ۱۱۴۶ ترجمه علی دوانی

2. <http://www.newnegah.org/articles/2010-01-10-04-22-09>

۳. ان الله لایحب الخائنین

۴. شیخ محمد رضا افضل تهرانی، چاپخانه علمیه، ص ۲۵۶ و ۲۵۷

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. محمد باقر مجلسی بحارالانوار، ج ۵۳، از نرم افزار معجم بحارالانوار (نور).
۳. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران، ناشر: اسلامیه
۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار جلد ۱۳ ترجمه علی دوانی انتشارات دارالکتب الاسلامیه
۵. نهج البلاغه، صبحی صالح، ۱۳۸۷، بیروت
۶. نوری (بها)، میرزا حسین علی مجموعه الواح مبارکه، چاپ مصر برگرفته از نرم افزار: Interfaith Explorer منتشره از سوی سایت دنیای بهائی
۷. نوری (بها)، میرزا حسین علی، کتاب اقدس برگرفته از نرم افزار: Interfaith Explorer منتشره از سوی سایت دنیای بهائی
۸. ریاض قدیمی، گلزار تعالیم بهائی Interfaith Explorer منتشره از سوی سایت دنیای بهائی
۹. نوری (بها)، میرزا حسین علی، ایقان ناشر: مؤسسه ملی مطبوعات بهائی آلمان، هوفمایم، آلمان چاپ اول (نشر جدید) ۱۵۵ بدیع، ۱۳۷۷ شمسی، ۱۹۹۸ میلادی
۱۰. افضل تهرانی، شیخ محمد رضا، فلتات اهل ایمان در خطبات ایقان، چاپخانه علمیه
۱۱. مردانی، محمد، خارج شدگان از صراط مستقیم، سپهر آذین، ۱۳۸۷، قم، ج ۲.
۱۲. سایت بهائی: <http://www.newnegah.org>

